



## گفت و گو با دکتر نورالله مرادی

جناب دکتر در ابتدای گفت و گو خودتان را برای خوانندگان مجله

معرفی کنید و از سوابق علمی و پژوهشی خود بفرمایید؟

○ در سال ۱۳۲۱ در تهران متولد شدم. در سال ۱۳۳۹ - بعد از تمام دوره دبیرستان - کارم را در مؤسسه انتشارات فرانکلین آغاز کردم. در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. در سال ۱۳۴۶ لیسانس حقوق قضایی گرفتم. در سال ۱۳۴۷ با تأسیس مرکز مدارک علمی و مرکز خدمات کتابداری به جمع کتابداران آن مراکز پیوستم و بخش انتشارات آن را سازمان دادم و تا سال ۱۳۵۳ در آن دو مرکز انجام وظیفه می‌کردم. در این مدت از «مؤسسه تحقیقات اجتماعی» دانشگاه تهران فوق لیسانس علوم اجتماعی و از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران فوق لیسانس کتابداری گرفتم. در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شدم و در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشتم. در این مدت در دانشگاه پیتمبورگ در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تحصیل کردم و «کاندیدای دکتری» شدم.

پس از بازگشت از آمریکا در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به کار مشغول شدم. تا سال ۱۳۷۷ در سمت مدیرکل آرشیوها و کتابخانه‌ها، با همکاری کتابداران و آرشیویستهای جدی و علاقه‌مند سازمان صدا و سیما به بازسازی آرشیوهای منابع دیداری - شنیداری آن سازمان اشتغال داشتم. بعد از بازنشستگی، بنا به دعوت وزارت امور خارجه، مسئولیت احداث و راه‌اندازی کتابخانه جدیدی برای آن وزارت را تقبل کردم و اکنون مدیر کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه هستم. از آغاز دهه ۱۳۵۰ و پس از بازگشتم از آمریکا در رشته کتابداری تدریس کرده‌ام و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هستم.

آموزش کتابداری در زمان تحصیل شما چگونه بوده؟ و اساساً چه تحولاتی از آن زمان تاکنون صورت گرفته است؟  
○ همانطور که می‌دانید آموزش کتابداری نوین در ایران در نیمه

نیاز به ترجمه  
کتاب‌های مرجع در زمینه  
کتابداری و اطلاع‌رسانی

○ گفت و گو: منیر یاورنژاد



خوشبختانه از نیمه دوم دهه چهل تا کنون کارهای بسیار مهمی در زمینه تالیف و ترجمه کتاب‌های کتابداری به عمل آمده است. وجود «سرعنوان موضوعی فارسی» چند اصطلاحنامه تخصصی (در زمینه پزشکی و علوم اجتماعی)، کتاب‌های نمایه‌سازی، آشنایی و بهره‌گیری از فناوری نوین اطلاع‌رسانی، چندین و چند کتاب مرجع از جمله دانشنامه کتابداری و واژه‌نامه‌های مختلف، ترجمه خلاصه دیوبی، گسترش‌های رده‌بندی‌های دیوبی و کتابخانه کنگره (در ارتباط با فرهنگ و تمدن و زبان ایران) و امثال آنها گواه این ادعا است.

حد تغییر عنوان‌ها و سرعنوان‌های درس‌ها نیست. تغییرات بنیادی در دروس باید همراه با تهیه و تأمین تجهیزات (از جمله منابع کتابی، مجلات، منابع دیداری - شنیداری، رایانه و امکانات نوین اطلاع‌رسانی) برای استادان و دانشجویان باشد. لازم است اعضای هیأت علمی نیز به طور مرتب از آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم بهره‌مند شوند.

نظر شما درباره کاربردی کردن رشته کتابداری با روش گنجاندن آن به عنوان دروس پایه رشته‌های دانشگاهی و مدارس چیست؟

○ کتابداری - بخصوص در سطوح پایین آموزشی - اصلاً یا لاقلاً بیشتر کاربردی و عملی است. در سطوح آموزشی بالا - مثلاً فوق لیسانس و دکتری - است که بیشتر نظری می‌شود و باید به بحث‌های نظری و فلسفی بپردازد. آنچه در دروس پایه در رشته‌های دانشگاهی و مدارس باید گنجانده شود، در واقع، شیوه بهره‌گیری از کتابخانه است نه کتابداری به معنی علم و فن اداره کتابخانه و مسائل علمی و فنی دیگری که با کتاب سروکار دارد. دانش‌آموزان و دانشجویان باید با کتابخانه و ارکان و اجزای آن آشنا شوند، بدانند چگونه از برگه‌دان و بانک‌های اطلاعاتی کتابخانه استفاده کنند، کتاب‌های مرجع را بشناسند، و با شیوه تنظیم یک کتابشناسی و خلاصه آراستن و پیراستن یک گزارش درسی و علمی آشنا بشوند. فقدان چنین درسی در دانشکده‌ها یا مطالبی در کتاب‌های درسی دبیرستانی موجب می‌شود که دانش‌آموزان با تحقیق آشنایی کافی پیدا نکنند و از نقش کتاب و کتابخانه در پیشبرد درس‌ها و کارهایشان غافل باشند.

به نظر شما آیا رابطه‌ای بین سطح پایین کتابخوانی و سیستم آموزش وجود دارد؟ چه تدابیری باید برای کتابخانه‌های مدارس و دانشگاهی اندیشید؟

بدون شک رابطه‌ای مستقیم و مستحکم میان نظام آموزشی هر

دهه ۱۳۴۰ در سطح فوق لیسانس شروع شد. در نخستین سال‌های دهه ۱۳۵۰ وقتی من در این رشته تحصیل می‌کردم، مشکلات زیادی برای آموزش کتابداری وجود داشت. تعداد کتاب‌های بنیادی و اساسی در کتابداری به زبان فارسی انگشت‌شمار بود. گسترش‌های رده‌بندی‌های دیوبی و کنگره انجام نشده بود. «سرعنوان فارسی» نداشتیم و موارد دیگر. لیکن برغم این کمبودها و تنگناها دانش کتابداری فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری ایران - در آن سال‌ها - فاصله زیادی از دانش کتابداران کشورهای پیشرفته، از جمله آمریکا، نداشت. در حالی که امروزه اگرچه تعداد کتاب‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی - تالیف و ترجمه - بسیار و به نحو چشمگیری افزایش یافته، بسیاری از کتاب‌های پایه و اساس کتابداری تالیف یا ترجمه شده، «سرعنوان فارسی» و چندین «اصطلاحنامه فارسی» داریم، حتی جای خوشوقتی است که در حوزه‌های خیلی تخصصی - از جمله حفظ و نگهداری، نمایه‌سازی و... - متون بسیار خوبی تدوین، تالیف یا ترجمه شده، لیکن متأسفانه فاصله کتابداری ایران و کتابداری کشورهای پیشرفته، از جمله آمریکا، بسیار زیاد شده و به طور مرتب هم بیشتر می‌شود. زیرا در دو سه دهه اخیر با اختراع کامپیوتر و به کارگیری تجهیزات و تکنولوژی نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطات کتابداری غرب پیشرفت بسیار زیادی کرده، در حالی که کتابداری در ایران پیشرفت مناسب و درخوری نکرده است و فاصله آن با کتابداری نوین در سطح جهانی روزانه بیشتر و بیشتر می‌شود.

روند کنونی آموزش کتابداری را چگونه می‌بینید؟ آیا وضعیت ما با آنچه در دنیا می‌گذرد، هماهنگی دارد؟

○ واقعیت اگر چه تلخ است، لیکن باید بگویم که کتابداری ایران نسبت به آنچه در سطح جهانی - بخصوص در کتابداری کشورهای پیشرفته - می‌گذرد خیلی عقب است. آموزش کتابداری در ایران نیاز به یک خانه تکانی دارد. منظورم فقط تغییر در برنامه‌های درسی، در

کشور و سطح کتابخوانی در آن کشور وجود دارد. به طور کلی کتابخانه‌ها واحدهای پشتیبانی هستند و تابع سیاست‌ها و فعالیت‌ها و توانایی‌های نظام آموزشی و پژوهشی جامعه خود هستند. هر قدر نظام آموزشی و پژوهشی جامعه‌ای بالاتر و فعال‌تر باشد، به همان نسبت نیز کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی آن جامعه پویاتر و فعال‌تر خواهند بود. در جامعه ما نظام آموزشی - در سطوح مختلف - یک نظام متکی به کتاب و جزوه درسی است و به اصطلاح یک جامعه پخته خور است. دانش‌آموزان و حتی دانشجویان موظفند کتاب و جزوه درسی را بخوانند و همان را هم امتحان بدهند. چه ضرورتی برای دانش‌آموز وجود دارد که به کتاب‌های غیردرسی و کتابخانه مراجعه نماید. گاه می‌شنویم که دانش‌آموز یا دانشجویی به دلیل آنکه خارج از جزوه درسی مطالبی را گفته یا در ورقه امتحانی خود نوشته مورد مواخذه قرار گرفته و نمره‌اش را کم کرده‌اند! (امین‌وارم که این حرف‌ها که زده می‌شود در حد شایعه باشد). اما در روزهای نیمه دوم خرداد شاهد بوده‌ام که دانش‌آموزان - بخصوص پسران - وقتی درسی را امتحان داده‌اند از دبیرستان بیرون آمده‌اند و کتاب‌های خود را پاره کرده‌اند، یا با آنها مانند توپ رفتار کرده‌اند به طوری که سطح کوچه و خیابان را اوراق کتاب‌های پاره و ورق ورق شده پوشانده است.

سوال این است که در طی سال تحصیلی با این دانش‌آموزان چگونه رفتار شده که چنین خشم و کینه‌ای از درس و کتاب به دل دارند و در پایان امتحان از آن درس و کتاب چنین انتقامی می‌گیرند. نظام آموزشی نیز وضعیت بسیار نامناسبی دارد. سهم تحقیق و پژوهش از بودجه کشور خیلی پایین‌تر از یک درصد است. حتی در زمینه‌هایی که سرمایه‌گذاری کلانی برای تحقیق و پژوهش شده سهم ما در تولید اطلاعات - در سطح جهانی - خیلی اندک است. به عنوان مثال سهم ما در تولید اطلاعات پزشکی در جهان فقط ۰/۰۲ درصد است. یعنی با این همه پزشکان کارآمد و تحصیلکرده و با این همه امکانات باز ۹۹/۹۸ درصد اطلاعات را دیگران تولید می‌کنند و ما فقط ۰/۰۲ درصد را در اختیار داریم.

اگر نظام آموزشی و پژوهشی کشور بازنگری جدی شود و اگر دانش‌آموزان، دانشجویان و محققان کشور - به طور جدی - خود را نیازمند اطلاعات بیشتر و روزآمدتر بدانند حتماً به کتابخانه‌ها مراجعه خواهند کرد. عوامل متعددی را می‌توان نام برد که نقشی اساسی در کتابخوانی و استفاده از کتابخانه‌ها دارند. علاوه بر نظام آموزشی و پژوهشی، نقش خانواده و والدین، آسایش و رفاه اقتصادی و اجتماعی آموزگاران و دبیران، تقویت و پویا کردن کتابخانه‌های آموزشی، روزآمد کردن کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی، و عمومی و... اگر کتابخانه‌های مدارس، دانشگاهی، تخصصی و عمومی تقویت و غنی شوند و استفاده از آنها مشکل نباشد، مشکلی که به عنوان گرانی کتاب مطرح می‌کنند چندان مهم نخواهد بود. (هرچند که معتقدم کتاب در ایران بیشتر «گران‌نما» است). در چنین شرایطی آموزش کتابداری

نیز - برای آموزش نیروی انسانی متخصص و کارآمد در کتابخانه‌ها - نقش مهمی خواهد داشت.

برگردیم به موضوع کتابداری، تصور می‌کنید برای روزآمد بودن منابع کتابداری به تألیف بیشتر نیاز داریم یا ترجمه؟

علم کتابداری و اطلاع‌رسانی در بیشتر حوزه‌های خود یک علم سرزمینی است تا یک علم جهانی و زمینی. اما بدون شک اصول بنیادی و اساسی آن می‌تواند جهانی و زمینی باشد؛ مثل سایر حوزه‌ها و مسائل در علوم اجتماعی، مثلاً جامعه‌شناسی. در نتیجه در پاره‌ای از زمینه‌ها باید در شرایط فعلی ترجمه کنیم تا بتوانیم از نتایج تحقیقات و مطالعات جوامع پیشرفته استفاده کنیم. اما در پاره‌ای دیگر (بخصوص آنکه که جنبه کاربردی را در نظر می‌گیریم) باید براساس اصول علمی و با تجربیات خودمان تألیف کنیم. فرض کنید می‌خواهیم یک «سرعنوان موضوعی فارسی» تهیه کنیم. یک نظر آن است که یک سرعنوان موضوعی معتبر، مثلاً سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره آمریکا را توسط یک گروه متخصص موضوعی به فارسی ترجمه کنیم. کشورهایی که خواسته‌اند این کار را انجام دهند با شکست روبرو شده‌اند: (مانند کره جنوبی). راه دیگر - که در اواخر دهه ۱۳۴۰ مرکز خدمات کتابداری آن را برگزید - آن است که با بهره‌گیری از اصول و استانداردهای علمی و در فرآیند فهرست‌نویسی و موضوع دادن به کتاب‌ها، یک گروه کتابدار متخصص با همکاری متخصصان موضوعی یک‌یک سرعنوان‌های موضوعی را تهیه کنند تا به مرور یک کتاب «سرعنوان موضوعی» تدوین و تألیف شود. پس به ترجمه کتابهای اساسی در موضوعات نظری و بنیادی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی نیاز داریم و علاوه بر آن باید در زمینه‌های مختلف تألیف نیز بکنیم. در بسیاری از موارد نیز تألیف و ترجمه یک‌جا انجام می‌شود. مثلاً در تألیف کتاب «مرجع‌شناسی»، من ناچار بودم یک کتاب معتبر غربی را الگو قرار دهم. کتاب پروفسور کتس را انتخاب کردم، اصول نظری را از او و دیگر اساتید این حوزه اقتباس کردم و وام گرفتم و مواردی را که به ایران و اسلام مربوط می‌شد به آن افزودم و بسیاری از منابع غربی را که در جامعه ما کاربرد چندانی نداشت حذف می‌کردم.

خوشبختانه از نیمه دوم دهه چهل تاکنون کارهای بسیار مهمی در زمینه تألیف و ترجمه کتاب‌های کتابداری به‌عمل آمده است. وجود «سرعنوان موضوعی فارسی» چند اصطلاحنامه تخصصی (در زمینه پزشکی و علوم اجتماعی)، کتاب‌های نمایه‌سازی، آشنایی و بهره‌گیری از فناوری نوین اطلاع‌رسانی، چندین و چند کتاب مرجع از جمله دانشنامه کتابداری و واژه‌نامه‌های مختلف، ترجمه خلاصه دیوبی، گسترش‌های رده‌بندی‌های دیوبی و کتابخانه کنگره (در ارتباط با فرهنگ و تمدن و زبان ایران) و امثال آنها گواه این ادعا است. اگرچه، همانطور که قبلاً گفتیم سرعت پیشرفت کشورهای غربی به قدری زیاد است که این تعداد کاری که انجام شده کافی به نظر



مرجع» نمی‌دانم. اساتید بزرگی به گردن کتابداری ایران حق دارند و من افتخار شاگردی آنها را داشته‌ام. از آن جمله می‌توانم از استادانی چون آقای ایرج افشار، آقای سیدعبدالله انوار، خانم سلطانی، خانم انصاری، شادروان خانم فرشته انوار و... نام ببرم.

اما به عنوان کتابداری که در زمینه مرجع اندکی کار کرده‌ام و دانش و تجربه‌ای آموخته‌ام عرض کنم بخش مرجع کتابخانه‌ها در ایران هیچ گاه آن چنان که شایسته آن است موردعناایت قرار نگرفته است. همانطور که گفتم چون «تحقیق» و «آموزش» را جدی نمی‌گیریم نیاز به «کتابدار مرجع»، «منابع مرجع» و «بخش مرجع» هم احساس نمی‌شود. آشنایی با منابع مرجع و نحوه بهره‌گیری از آنها و کمکی که حتی در زندگی روزمره به ما می‌توانند بکنند باید از سال‌های نخستین مدرسه آغاز شود. دانش‌آموزان باید از دوران دبستان و دبیرستان با کتاب‌های مرجع چون دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌ها آشنا شوند و روش بهره‌گیری از آنها را بیاموزند. آنچه در چند دهه اخیر در کتابخانه‌های ایران انجام شده بیشتر در حوزه خدمات فنی (بخصوص سازماندهی) بوده است. در واقع بیشتر به جنبه‌های تکنوکراسی کتابداری توجه داشته‌ایم. علل این توجه زیاد است و از حوصله این مصاحبه بیرون است. ضرورتی پیش آمد، انگیزه‌هایی وجود داشته افرادی نقشی کلیدی داشتند و مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم دادند و به خدمات فنی توجه و عنایتی بیشتر به عمل آمد، چنین شرایطی برای بخش مرجع و منابع مرجع فراهم نشده است. هنوز برای بسیاری از مدیران سازمان‌های آموزشی و پژوهشی و مؤسسات علمی و غیرعلمی قبول این که بخش مرجع باید برای پاسخگویی یک خط مستقل تلفن داشته باشد سخت است. مهم‌ترین کمبود بخش‌های مرجع کتابخانه‌های ما فقدان و کمبود منابع مرجع معتبر و بخصوص روزآمد بودن آنها است. کتاب‌های مرجع خارجی عموماً گران است و بودجه لازم برای خرید آن‌ها در اختیار کتابداران نیست. در مورد منابع مرجع داخلی مصیبت

نمی‌رسد. درباره تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی چه نظری دارید. در واقع شما به عنوان استاد راهنما و مشاور، آیا موضوعات انتخابی پایان‌نامه‌ها از سیاست خاصی پیروی می‌کند؟ آیا از اینگونه پایان‌نامه‌ها در طرح‌های توسعه و بهبود مسائل کتابداری و آموزش نوین بهره می‌گیرند؟

به طور کلی، با کمال تأسف، باید بگویم که رابطه دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی و تولیدی کشور بسیار ضعیف است و در بسیاری از موارد اصلاً چنین رابطه‌ای وجود ندارد. در واقع، نوشتن پایان‌نامه یک شرط برای دریافت مدرک تحصیلی است. از این رو، من موارد بسیار نادری را دیده‌ام که از پایان‌نامه‌های تحصیلی در رشته کتابداری و یا از نویسندگان آن پایان‌نامه بعد از اتمام تحصیل استفاده شده باشد. (در سازماندهی آرشیو صدای جمهوری اسلامی ایران از کتابداری استفاده می‌شود که پایان‌نامه‌اش را در همین موضوع نوشته است.)



البته این نکته را نیز بگویم که اگر سیر کتابداری نوین ایران را در نظر بگیریم به فراخور پیشرفت کتابداری، موضوع‌های پایان‌نامه‌ها نیز از دوره اول تاکنون تغییرات زیادی کرده است. باتوجه به سوابق علمی و حرفه‌ای شما و خدماتی که در حوزه مرجع‌شناسی انجام داده‌اید و به عنوان پدر کتابداری مرجع مطرح هستید، نظر خود را درباره وضعیت خدمات مرجع در کتابخانه‌ها بیان کنید. چه کمبودهایی وجود دارد؟ و این کاستی‌ها متوجه کدام یک از مراحل تولید و نشر کتاب یا آموزش کتابدار مرجع می‌شود؟ ضمن اظهار تشکر و سپاس از عنایتی که به این جانب دارید باید عرض کنم که خود را لایق و سزاوار عنوانی چون «پدر کتابداری

چون تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع پرخرج است و چاپ آنها نیز بسیار دقیق و پرهزینه است، تصور می‌کنم دولت باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع وارد شود و با کمک مالی و غیرمالی به سازمان‌های پژوهشی و آموزشی و ناشران خصوصی، آنها را تشویق کند تا کتاب‌های مرجع اساسی را تهیه و منتشر کنند

بسیار بدتر است. منابع مرجع معتبر و روزآمد کم داریم. ببینید، دایرةالمعارف فارسی مرحوم دکتر مصاحب سه جلد است.

جلد اول آن سال ۱۳۴۵ منتشر شده، جلد دوم ۱۳۵۶ و جلد سوم ۱۳۷۵. اولاً سی سال طول کشید تا انتشار این کتاب به طور کامل انجام شد، ثانیاً هیچ مؤسسه و نهادی نیست که آن را روزآمد کند و از همه مهم‌تر جای دکتر مصاحب را چه کسی می‌خواهد پر کند و بگیرد که صلاحیت علمی و مدیریتی او را داشته باشد. بسیاری از مطالب این کتاب کهنه شده است. آنهم در دنیایی که با چنین سرعت زیادی در حال تغییر است. مورد دیگر لغت‌نامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا است. چاپ آن در اواسط دهه ۱۳۲۰ شروع شد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (اواخر دهه ۱۳۵۰) تمام شد. البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چندین کتاب مرجع معتبر - بخصوص در حوزه دایرةالمعارف‌ها - در دست تألیف و انتشار است که جای شکرگزاری دارد. از جمله دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف تشیع، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ادب فارسی و فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان در بخش خصوصی هم چندین دایرةالمعارف و بخصوص فرهنگ و لغت‌نامه یک‌زبانه یا دوزبانه منتشر شده است. از جمله فرهنگ دوزبانه آقای دکتر باطنی یا فرهنگ هزاره آقای دکتر حق‌شناس ولی هنوز کمبودها زیاد است. نگاهی به فهرست دایرةالمعارف‌های انگلیسی زبان نشان می‌دهد که دیگر کمتر به تدوین و تألیف دایرةالمعارف‌های عمومی و حتی تخصصی می‌پردازند. امروزه بیشتر دایرةالمعارف‌هایی که منتشر می‌شوند خیلی تخصصی هستند. مثلاً در زمینه علوم سیاسی دایرةالمعارف ناسیونالیسم، دایرةالمعارف دموکراسی، دایرةالمعارف صلح (این یکی در هشت جلد است!) منتشر شده است. حتی چندی پیش دایرةالمعارفی به دستم رسید (به صورت لوح فشرده) با عنوان دایرةالمعارف ترور جان‌آف‌کندی!

چون تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع پرخرج است و چاپ آنها نیز بسیار دقیق و پرهزینه است، تصور می‌کنم دولت باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع وارد شود و با کمک

مالی و غیرمالی به سازمان‌های پژوهشی و آموزشی و ناشران خصوصی، آنها را تشویق کند تا کتاب‌های مرجع اساسی را تهیه و منتشر کنند.

یک گره و مشکل هم وجود دارد که باید حل شود، آن هم برنامه‌ریزی برای انتشار کتاب‌های مرجعی است که در دست تهیه است. بسیاری از این کتاب‌های مرجع، تصور می‌کنم، یک قرن وقت لازم دارند تا کار انتشار آنها تمام شود. مثل اینکه هیچ امیدی برای تجدیدنظر و ویرایش بعدی در ذهن مدیران این کارها وجود ندارد و می‌خواهند یک بار برای همیشه کار را انجام دهند! راستش حق هم دارند.

طبیعی است وقتی به بخش مرجع عنایت لازم نشود، کتاب‌های مرجع روز آمد و معتبر فارسی هم کم داشته باشیم، کتاب‌های مرجع خارجی گران قیمت باشد، آموزش کتابدار مرجع هم - در نظام آموزش رسمی کتابداری و در دوره‌های کوتاه مدت و آموزش حین خدمت - چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و آن چنان که شایسته است انجام نمی‌شود.

به نظر شما کتابداران مرجع باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند و



بخش مرجع ویژگی خاصی دارد که دیگر بخشهای کتابخانه آن را ندارند. از یک سو، همچون بخش امانت با مراجعه کنندگان سرو کار دارد و از سوی دیگر مانند بخش فهرست نویسی با مسائل خاص زبانشناسی و مسائل فکری درگیر است. کتابدار مرجع در فرایند مرجع و پاسخگویی به مراجعه کنندگان خود، در حقیقت، با فرایند ارتباط سر و کار دارد. از همین رو کتابدار مرجع باید علاوه بر کتابداری با قواعد و اصول ارتباطات آشنایی کافی داشته باشد

کتابدار مرجع موفق نمی‌شود، خلاصه در یک کلام کتابدار مرجع باید از مادر کتابدار به دنیا آمده باشد. این ویژگی بعضی از مشاغل است مانند معلمی یا پرستاری.

اگر کتابدار مرجع باشید حتماً لازم است آموزشهایی نیز ببینید. علم کتابداری، لااقل اصول اولیه علم ارتباطات، شناخت منابع مرجع، شیوه بهره‌گیری از آنها و روش کار با مراجعه کنندگان خاص (مثلاً کودکان، معلولین و...)، امروزه روز، پیشرفت چشمگیر فناوری نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطات (منظورم بیشتر بهره‌گیری از منابع دیداری - شنیداری، لوحهای فشرده، اینترنت و امثال آنها است) ایجاب می‌کند کتابداران - بخصوص کتابداران مرجع با کارکردن با کامپیوتر، اینترنت و سایتهای اطلاع‌رسانی و منابع دیداری - شنیداری آشنایی کافی و اشراف داشته باشند و این مهم نیز عملی نخواهد شد مگر اینکه علاوه بر دروسی که در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد به آنها تعلیم داده می‌شود، به طور مرتب نیز - از طریق آموزش حین خدمت و آموزش غیرمستقیم - با آخرین تحولات فناوری نوین اطلاع‌رسانی آشنا شوند. این جاست که معنی آموزش مادام‌العمر را می‌فهمیم. خوب، این کار نیز بدون آشنایی کامل با حداقل یک زبان غربی (ترجیحاً انگلیسی) عملی نخواهد شد. حالا خودتان مقایسه کنید و ببینید که ما در بخش مرجع کتابخانه‌های خود چقدر عقب هستیم. از یاد نبریم که سرعت پیشرفت تکنولوژی خیلی بیشتر از سرعت ما است و به همین جهت علیرغم کارهایی که کرده‌ایم باز هر روز عقب‌تر می‌رویم.

چه تفاوتی بین خدمات مرجع در گذشته و حال وجود دارد؟ آیا منابع کنونی پاسخگویی مراجعه کنندگان هست؟

بدون شک از لحاظ کمی منابع مرجع نسبت به گذشته زیادتز شده است. امکان استفاده از لوحهای فشرده و بهره‌گیری از سایتهای اطلاع‌رسانی شرایط خاصی برای مراجعه کنندگان فراهم آورده است. لیکن همانطور که گفتیم پاره‌ای از این منابع هنوز به طور کامل منتشر



چه نوع آموزشهایی ببینند؟ با توجه به گسترش منابع اطلاعاتی و ابرسایت‌ها، ضرورت آشنایی به مراجع زبان‌های دیگر، ارتباط بین کتابداری و سایت‌شناسی را تا چه حد می‌دانید؟

بخش مرجع ویژگی خاصی دارد که دیگر بخشهای کتابخانه آن را ندارند. از یک سو، همچون بخش امانت با مراجعه کنندگان سرو کار دارد و از سوی دیگر مانند بخش فهرست نویسی با مسائل خاص زبانشناسی و مسائل فکری درگیر است. کتابدار مرجع در فرایند مرجع و پاسخگویی به مراجعه کنندگان خود، در حقیقت، با فرایند ارتباط سر و کار دارد. از همین رو کتابدار مرجع باید علاوه بر کتابداری با قواعد و اصول ارتباطات (خواه ارتباط چهره‌به‌چهره و روبه‌رو و هم ارتباط از طریق ماشین) آشنایی کافی داشته باشد، کتابهای مرجع را به خوبی بشناسد و طرز کار و شیوه بهره‌گیری از آنها را بداند. با منابعی که در مرحله تجسس و بازیابی اطلاعات می‌تواند کمکش باشد (مانند سر عنوان موضوعی و اصطلاح نامه‌ها) آشنا باشد. از همه اینها مهم‌تر این‌که کتابدار مرجع باید قدرت برقراری ارتباط با مراجعه کنندگان و صبر و حوصله و عشق به کمک‌کردن به مراجعه کنندگان را داشته باشد.

اگر شخصی برای کمک به دیگران علاقه نداشته باشد، حتماً

نشنه‌اند و پاره‌ای از آنها نیز نیاز به ویرایش دارند. از این‌رو برای پاسخگویی مراجعه‌کنندگان، کتابداران مرجع با مشکل مواجه هستند. نکته مهم این است که نسبت به گذشته (مثلاً سی سال پیش) جمعیت ایران حداقل دو برابر شده و تعداد دانشجویان شاید بیش از پنج برابر شده است. اما کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی به این نسبتها رشد نکرده‌اند و ناقص بودن کتابهای مرجع روز آمد نبودن آنها بر این مشکل بسی می‌افزاید.

**کتاب مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتابهای مرجع شما سالها پیش چاپ شده و تاکنون ویرایش جدیدی از آن صورت نگرفته است. علت چیست؟**

همانطور که فرمودید از کتاب «مرجع‌شناسی» استقبال بسیار خوبی شده است. راستش به علت گرفتاریهای شغلی وقت کافی برای ویرایش آن پیدا نکرده‌ام. ناشر کتاب هم اصرار دارد که ویرایش جدید آن را آماده کنم. مشغول هستم و امینوارم هر چه زودتر آن را به پایان برسانم و برای چاپ تحویل ناشر بدهم. امینوارم دوستان این قصور بنده را عفو کنند.

**مدیریت آرشیو در کشور چگونه است؟ آیا اصولاً افرادی به نام آرشیویست آموزش می‌بینند؟**

آرشیوها را - به علت ماهیت کارشان - می‌توانیم به دو گروه آرشیوهای کاغذی (مراکز اسناد و مدارک، مثلاً سازمان اسناد ملی ایران) و آرشیوهای منابع دیداری - شنیداری (مثلاً آرشیوهای سازمان صدا و سیما یا آرشیو ملی فیلم وزارت ارشاد اسلامی) تقسیم کنیم که هر یک دنیای خود را دارند.

خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کارهایی بسیار اساسی و بنیادی در زمینه آرشیوها انجام شده است که قسمتی از آن را در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، اینجانب سهیم بوده‌ام. در مورد تربیت آرشیویست‌ها هنوز کار زیادی انجام نشده است. خلاصه می‌شود در یکی دو درس آشنایی با منابع دیداری - شنیداری در دوره کارشناسی و یک درس «مدیریت آرشیو» در دوره کارشناسی ارشد. لازم است دروس بیشتری به این مهم اختصاص داده شود. البته تا آنجا که من اطلاع دارم، سازمان اسناد ملی و سازمان صدا و سیما دوره تخصصی آرشیو (البته برای تربیت آرشیویستهایی که در سازمان اسناد ملی یا مراکزهای همانند آن کار کنند) برگزار کرده‌اند. بسیاری از آرشیویستهای ما به صورت تجربی و در حین کار آرشیویست شده‌اند. آرشیوهای دیداری - شنیداری تا چه حد در کشور ما جایگاه دارد؟

غیر از صدا و سیما که اختصاصاً به این مهم پرداخته است آیا نهادهای دیگری هم در زمینه آرشیوهای دیداری و شنیداری فعالیت دارند؟ می‌دانید که بزرگ‌ترین مرکز منابع دیداری - شنیداری در ایران به سازمان صدا و سیما تعلق دارد. تصور می‌کنم حدود ۵۰۰ هزار عنوان ماده آرشیوی (فیلم، ویدئو، ویدئو کاست، نوار و کاست صدا، عکس و اسلاید...) در این آرشیوها باشد. در واقع می‌توانیم آن را مرکز ملی

منابع دیداری - شنیداری کشور بدانیم. بسیاری از منابع آن منحصر به فرد است. همانطور که گفتم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با حمایت مدیریت سازمان و همت و کوشش آرشیویستها و کتابداران آن کارهای بسیار مهمی در زمینه خدمات فنی، حفظ و نگهداری، احداث ساختمانهای مخصوص آرشیو و... انجام شده و خوشبختانه هنوز هم ادامه دارد. علاوه بر این، «فیلمنامه ملی ایران» وابسته به معاونت سینمایی وزارت ارشاد - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بازسازی جدی و بنیادی شد. در مورد آرشیوهای اسناد و مدارک هم باید از سازمان اسناد ملی نام ببرم. آرشیوهای دیگری نیز هستند که در نهادهای مختلف فعال هستند و بعضی از آنها از اهمیت زیادی برخوردارند. از آن جمله است مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری که کارهای مهمی انجام داده و «مرکز اسناد وزارت امور خارجه» که حاوی اسناد و مدارک ذیقیمتی است و اخیراً ساختمان مجهز و مدرنی برای نگهداری آن اسناد ساخته شده است.

**آرشیو منابع دیداری - شنیداری با آرشیو اسناد چه تفاوت‌هایی دارد؟**

همانطور که از نام آنها بر می‌آید این دو نوع آرشیو در درجه اول از نظر نوع منابعی که گردآوری می‌کنند. با هم اختلاف دارند. یکی اسناد و مدارک گردآوری می‌کند و دیگر منابع غیرکتابی، از نوع دیداری - شنیداری. نحوه گردآوری منابع آنها نیز متفاوت است. آرشیوهای اسناد - مثلاً سازمان اسناد ملی ایران - پرونده‌های بایگانیهای وزارتخانه‌ها و نهادها و مؤسسات موقتی را گردآوری می‌کند. سپس براساس ضوابط و قواعد خاصی آنها را وچین می‌کند. آنچه از صافیها می‌گذرد. اسناد و مدارکی است که از نظر تاریخی ارزش نگهداری دارد. بعد آنها را براساس نظامی خاص «نمایه‌سازی» می‌کند که در بانکهای اطلاعاتی ذخیره می‌شوند و بالاخره به مراجعه‌کنندگان سرویس می‌دهد.

لیکن آرشیوهای دیداری - شنیداری به کتابخانه‌ها بیشتر شبیه هستند. مثلاً آرشیوهای صدا و سیما تولیدات سازمان صدا و سیما را گردآوری می‌کند و بعد آرشیویستها با ضوابط خاصی آنها را بازبینی یا بازشنوایی می‌کنند و آنچه را که قابلیت آرشیو شدن داشته باشند انتخاب می‌کنند. این منابع همانند کتاب فهرست‌نویسی، رده‌بندی و آماده‌سازی می‌شوند.

اطلاعات کتابشناختی آنها، به صورت دستی یا ماشینی، در بانکهای اطلاعاتی ذخیره می‌شوند و سپس به مراجعه‌کنندگان سرویس داده می‌شود. با آنکه نوع منابع آرشیوهای دیداری - شنیداری با منابع کتابخانه‌ها تفاوت دارند ولی آرشیوها و کتابخانه‌ها در واقع خیلی به هم شبیه هستند. در حالی که کتابخانه‌ها و مراکز اسناد - هر چند هر دو منابع کاغذی دارند، لیکن از نظر نوع کار و وظایف و اهداف بیشتر با هم اختلاف دارند.

**وضعیت فهرست‌نویس منابع دیداری - شنیداری و CD چگونه**

است؟

همانطور که گفتم شباهت کتابخانه‌ها و آرشیوهای دیناری - شنیداری خیلی زیاد است. فدراسیون بین‌المللی آرشیوهای رادیو - تلویزیونی (که به فیاف شهرت دارد) تعریفی از آرشیو می‌دهد که شامل منابع نوشتاری - دیداری و شنیداری می‌شود و عملاً کتابخانه را نیز نوعی آرشیو می‌داند. پس ارکان آرشیوهای دیداری - شنیداری نیز کاملاً همانند ارکان و بخشهای کتابخانه است. البته به دلیل نوع منابع اهمیت بیشتر به بخش حفظ و نگهداری منابع داده می‌شود در مورد فهرست‌نویسی منابع دیداری - شنیداری هم تصور می‌کنم بهتر است آن را دنباله فهرست‌نویسی کتاب بدانیم. یعنی اصول و قواعدی که در مورد منابع کتابی، برای فهرست‌نویسی آنها، داریم در مورد منابع دیداری - شنیداری نیز کاربرد دارد، البته با ریزه کاریهایی. مثلاً چون منابع دیداری - شنیداری را نمی‌توان همانند کتاب به راحتی مرور کرد و مطالب و محتوای آن را دید یا شنید، پس اطلاعات بیشتری بر روی برگه فهرست‌نویسی آورده می‌شود، مثلاً خلاصه ماده آرشیوی را می‌آوریم یا اطلاعات فیزیکی ماده آرشیوی را بیشتر و دقیق‌تر می‌آوریم. خلاصه برگه‌های فهرست‌نویسی (فهرستبرگه‌ها) باید حناکتر اطلاعات را به مراجعه‌کننده بدهد.

با توجه به شباهتها و اختلافات آرشیوها، کتابخانه‌ها و مراکز اسناد که فرمودید، طرح ادغام سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانطور که گفتم آرشیو منابع دیداری - شنیداری شباهت بیشتری به کتابخانه دارد تا مراکز اسناد. حتی نوع مراجعه‌کنندگان و نحوه استفاده آنها نیز متفاوت است. حتی در سطح پایین و محیط کوچک‌تر نیز این تفاوت به چشم می‌خورد. مثلاً مراجعه‌کنندگان کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه و نوع نیازهای آنها با مراجعه‌کنندگان مرکز اسناد وزارت امور خارجه و نوع نیازهای آنها تفاوتی بسیار بارز و چشم‌گیر دارد.

به همین علت در کشورهای غربی و غیر غربی - شاید به استثنای چند کشور خیلی توسعه نیافته - کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی دو نهاد و مؤسسه کاملاً مستقل از هم هستند. حتی اگر ساختمانهای آنها به هم چسبیده باشد. تصور نمی‌کنم ادغام کتابخانه ملی ایران با سازمان اسناد ملی ایران کاری مناسب و درست باشد و تصور می‌کنم بیشتر باید نگران آینده هر دو سازمان بود. همانطور که گفتم نحوه گردآوری، سازماندهی و حفظ و نگهداری منابع این دو سازمان با هم تفاوت اساسی دارد. شک ندارم اگر کار کارشناسی دقیقی انجام شود این ادغام صورت نخواهد گرفت.

کتابشناسی دکتر نورالله مرادی

۱- مرادی، نورالله، ۱۳۲۱ - مدیریت آرشیوهای دیداری - شنیداری / نورالله مرادی - تهران: سروش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۳۳

۱۸۸ ص: مصور.

بها: ۲۷۰۰ ریال.

پشت جلد به انگلیسی: Nurollah Moradi: The Management of audiouslul archives .

کتابنامه: ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

۱. وسایل دید و شنودی - آرشیو - مدیریت.
۲. آرشیو. الف. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش. ب. عنوان.
- ۴ م ۹۷۳/۲/۴ CD ۲۵/۱۷۷
- ۲- مرادی، نورالله، مترجم و اقتباس‌کننده روش استفاده از کتابخانه / مترجم و اقتباس‌کننده نورالله مرادی - ویرایش ۲- تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۸ ۲۹ ص.

براساس کتاب How to use the library از انتشارات Gaylord Bros inc .

ص. ع. به انگلیسی: How to use the library

۱. کتابخانه‌ها و مراجعان - آموزش. الف. عنوان. ۹ ۱۳۶۸ م ۴ / Z ۷۱۰

۲. راهنمای روزنامه‌های ایران - ۱۳۴۷ - تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۴۸

ج.

سالانه.

گردآورندگان: ۱۳۴۷ پروین ابوضیا، ۱۳۵۲ پروین ابوضیا، نورالله مرادی، ۱۳۶۶ - کبری خداپرست، احمدصباگردی مقدم.

سال ۱۳۴۷ توسط مرکز مدارک علمی و ۱۳۵۲ توسط مرکز خدمات کتابداری منتشر گردیده است.

ص. ع. به انگلیسی: A Directory of Iranian newspapers .

۱. روزنامه‌ها - ایران - راهنماها. الف. ابوالضیا، پروین، گردآورنده، ب. مرادی، نورالله، ۱۳۲۱، گردآورنده. ج. خداپرست، کبری، ۱۳۳۰، گردآورنده. د. صباگردی مقدم، احمد، ۱۳۳۹.
- گردآورنده. ه. کتابخانه ملی ایران
- ۲ و ۹ الف / Z ۶۹۵۸
- ۴- مرادی، نورالله، ۱۳۳۱.

مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع/نوشته نورالله مرادی - تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹، ۱۳۷۲

۳۴۲ ص: نمودار.

کتابنامه: [۳۴۰] - ۳۴۲.

۱. مراجع. ۲. خدمات مرجع. ۳. مراجع - کتابشناسی. الف. عنوان. ب. عنوان: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع.



- ۴ م ۱۰۳۵/۱/م ۴  
 ۵- مرادی، نورالله، ۱۳۳۱ -  
 مدیریت آرشیوهای دیداری - شنیداری / نورالله مرادی، تهران:  
 نشر کتابدار، ۱۳۸۰  
 ۲۰۱ص: مصور.  
 کتابنامه: ص [۲۰۰] - ۲۰۱  
 ۱. وسایل دید و شنودی -- آرشیو -- مدیریت.  
 ۲. آرشیو. الف. صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات  
 سروش. ب. عنوان.  
 CD۹۷۳/۲/م ۴ ۱۳۸۰  
 ۶ باد، جان  
 ارتباط‌شناسی و کتابداری / جان باد، ترجمه محبوبه مهاجر،  
 نورالله مرادی. - تهران: سروش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۷۶.  
 ۲۸۰ ص: جلول، نمودار.  
 بهاء ۷۶۰۰ ریال  
 ISBN: ۹۶۴-۴۳۵-۰۰۳-۰۰  
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از  
 انتشار).  
 عنوان اصلی: The Library and ITs users  
 the communication process  
 واژنامه:  
 کتابنامه:  
 ۱. کتابخانه و مراجعان ۲. ارتباط کتابخانه‌ها ۳. کتابخانه‌ها -  
 نظامهای ارتباطی  
 الف. مهاجر، محبوبه (مرادی)، ۱۳۲۳، مترجم.  
 ب. مرادی، نورالله ۱۳۲۱ - مترجم. ج. صداوسیما، جمهوری  
 اسلامی ایران. انتشارات سروش. د. عنوان
- فهرست مقالات دکتر نورالله مرادی  
 ۱) مرادی، نورالله، «کاغذ و کاغذسازی». خبرنامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۳، ش ۳، ویژه، (زمستان ۱۳۴۹)  
 ۲) مرادی، نورالله، «صنعت چاپ (۱)». خبرنامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۴، ش ۱، (بهار ۱۳۵۰)، ص ۲۲-۴۰.  
 ۳) مرادی، نورالله، «صنعت چاپ (۲)». خبرنامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۴، ش ۲، (تابستان ۱۳۵۰)، ص ۱۰۰-۳۴  
 ۴) مرادی، نورالله، «بررسی کتابهای ده ساله اخیر (۱۳۴۰ -  
 ۱۳۵۰)». خبرنامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۴، ش ۳ (پاییز ۱۳۵۰)  
 ص ۵۹-۷۲.  
 ۵) امان، پیتر. «برخی از جنبه‌های جامعه‌شناسی کتابخوانی»  
 ترجمه نورالله مرادی، خبرنامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۴، ش ۴،  
 (زمستان ۱۳۵۰)، ص ۵۴-۶۸
- ۶) مرادی، نورالله، «سانسور». خبرنامه انجمن کتابداران ایران،  
 دوره ۵، ش ۲، (تابستان ۱۳۵۱)، ص ۱۵۰-۳۶.  
 ۷) مرادی، نورالله، «در سوگ رانگانان» خبرنامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۵، ش ۳، (پائیز ۱۳۵۱)، ص ۱۰-۱۴.  
 ۸) مرادی، نورالله، کامران فانی «تولید و نشر: از مؤلف تا نسخه  
 چاپی». تهران: انجمن کتابداران ایران، (۱۳۵۲)، ص ۳۱.  
 ۹) مرادی، نورالله، «حق مؤلف». نامه انجمن کتابداران ایران،  
 دوره ۶، ش ۲، (تابستان ۱۳۵۲)، ص ۸۳-۱۰۶.  
 ۱۰) مرادی، نورالله، «حق مؤلف در ایران» نامه انجمن کتابداران  
 ایران، دوره ۶، ش ۳ (پائیز ۱۳۵۲)، ص ۳۳-۶۶.  
 ۱۱) مرادی، نورالله، «کتابخانه عمومی: دانشگاه مردم». نامه  
 انجمن کتابداران ایران، دوره ۶، ش ۱ (پاییز ۱۳۵۲)، ص ۳-۱.  
 ۱۲) مرادی، نورالله، «کاتر و کارهایش» با همکاری فروردین  
 رامتین، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۶، ش ۱ (بهار ۱۳۵۲)، ص-  
 ۳-۱.  
 ۱۳) مرادی، نورالله، «نمایه‌سازی همارا (۱)». نامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۹، ش ۱ (بهار ۱۳۵۵)، ص ۸۳-۱۰۷.  
 ۱۴) مرادی، نورالله، «نمایه‌سازی همارا (۲)». نامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۹، ش ۲ (تابستان ۱۳۵۵)، ص ۲۷۲-۲۹۶.  
 ۱۵) مرادی، نورالله، «جان فیلیپ ایمرات». نامه انجمن کتابداران  
 ایران، دوره ۹، ش ۱ (بهار ۱۳۵۵)، ص ۱-۱۱.  
 ۱۶) شرا، جس. «کتابخانه و جامعه» ترجمه نورالله مرادی و  
 اسدالله آزاد، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۱۰، ش ۱، (بهار ۱۳۵۶)،  
 ص ۲-۲۱.  
 ۱۷) مرادی، نورالله، «نظام نمایه‌سازی پرس (۱)». نامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۱۰، ش ۳ (پائیز ۱۳۵۶)، ص ۲۵۰-۲۷۹.  
 ۱۸) مرادی، نورالله، «نظام‌نمایه‌سازی پرس (۲)». نامه انجمن  
 کتابداران ایران، دوره ۱۰، ش ۳ (زمستان ۱۳۵۶)، ص ۳۶۲-۳۷۴.  
 ۱۹) مرادی، نورالله، «بررسی اجمالی نشر کتاب در سال ۱۳۵۷». نامه  
 انجمن کتابداران ایران، دوره ۱۲، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۵۸)،  
 ص ۱-۷.  
 ۲۰) مرادی، نورالله، «با کتابهای مرجع آشنا شویم: کتابشناسیها».  
 کتابدار، دوره ۲، متن ۱ و ۲ (۱۳۵۹)، ص ۴۶-۶۰.  
 ۲۱) مرادی، نورالله، «با کتابهای مرجع آشنا شویم: تازه‌المعرفیه». نشر  
 دانش، دوره ۱، ش ۵ و ۶ (مرداد - آبان ۱۳۶۰)، ص ۵۶-۶۵.  
 ۲۲) مرادی، نورالله، «سازماندهی و حفظ و نگهداری منابع  
 دیداری - شنیداری» ارائه شده در اولین سمینار کتابداری و  
 اطلاع‌رسانی پزشکی در ایران (۱۶ - ۱۷ اسفند ۱۳۶۷)، مشهد دانشگاه  
 علوم پزشکی مشهد، ۱۳۶۷.  
 ۲۳) مرادی، نورالله، «سازماندهی منابع در آرشیوهای عکس و  
 اسلاید» عکس، دوره ۲، ش ۱۰ و ۱۱ (دی و بهمن ۱۳۶۷)، ص ۹۰-۹۴

شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران در رفع نیازهای تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی. استاد راهنما: زهره میرحسینی. استاد مشاور: نورالله مرادی. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۷۸

۲) مزدینا، شعله. بررسی آرشیه‌های دیداری - شنیداری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (موجود در تهران). استاد راهنما: نورالله مرادی. استاد مشاور: عباس حرّی. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۶.

۳) نظری، ندا. بررسی میزان رضایت استفاده‌کنندگان آرشیه‌های دیداری - شنیداری شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران. استاد راهنما: نوش آفرین انصاری (محقق). استادان مشاور: غلامرضا فدایی عراقی، نورالله مرادی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۶.

۴) میرشمسی، شهرزاد. قانون بردفورد و تاثیر آن بر تحقیقات کتابداری. استاد راهنما: عباس حرّی. استادان مشاور: نوش آفرین انصاری (محقق)، نورالله مرادی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۶.

۵) قریب، زهرا. بررسی وضعیت نمایه‌سازی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی مستقر در شهر تهران. استاد راهنما: عباس حرّی. استاد مشاور: نورالله مرادی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷.

۶) قائم مقامی، نازنین. رانگان‌اتان کتابدار شرق و پاره‌ای از تاثیرات او بر کتابداری مغرب زمین استاد راهنما: نورالله مرادی. استادان مشاور: پوری سلطانی، عباس حرّی. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۵.

۷) فانی، کامران (رضوان الله) و مرادی، نورالله. گسترش تاریخ ایران در نظام رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا. استاد راهنما: پوری سلطانی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۳.

۸) صمدی، مهرانگیز. راهنمای تولید کتاب. استاد راهنما: پوری سلطانی، نورالله مرادی. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۰.

۹) مطلبی، داریوش. بررسی وضعیت شایک در نشر ایران. استاد راهنما: عباس حرّی. استاد مشاور: نورالله مرادی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۰) رجبی، محمدحسن. استبداد و آزادی در آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده. استاد راهنما: نورالله مرادی. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۹.

۲۴) مرادی، نورالله. «شیخ آقا بزرگ تهرانی: مرزبان حماسه خورشید»، کیهان فرهنگی، دوره ۳، ش ۱۱ (بهمن ۱۳۶۵). ص ۲۵-۲۹ (۲۵) مرادی، نورالله، «نوارها و کاستها را چگونه نگهداری کنیم». دانشمند، دوره ۲۵، ش ۲۸۹ (آبان ۱۳۶۶)، ص ۷۱-۷۴.

۲۶) مرادی، نورالله، «نقش کتاب در توسعه فرهنگی» فصلنامه کتاب، دوره ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۶۹)، ص ۱۷-۴۹.

۲۷) مرادی، نورالله، «کتابخانه اسکندریه» فصلنامه کتاب، دوره ۱، ش ۲-۴ (تابستان و زمستان ۱۳۶۹). ص ۲۰۰-۲۱۳.

۲۸) مرادی، نورالله، «کنفرانس بین‌المللی کتاب و احیای تمدن شرق دوشنبه ۲۲-۲۸ خرداد ۱۳۶۹». فصلنامه کتاب، دوره ۱، ش ۲-۴ (تابستان - زمستان ۱۳۶۹)، ص ۴۰۹-۴۳۰.

۲۹) کالو، فلورانس «کتابخانه ملی فرانسه: کتابخانه‌ای فعال»، ترجمه نورالله مرادی، پیام یونسکو، دوره ۲۰، ش ۲۲۸ (آبان ۱۳۶۹)، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۳۰) مرادی، نورالله، «انتقال اطلاعات». فصلنامه کتاب، دوره ۲، ش ۱-۴ (بهار - زمستان ۱۳۷۰)، ص ۲۱-۴۹.

۳۱) مرادی، نورالله، «خدمات مرجع». فصلنامه کتاب، دوره ۳، ش ۱-۴ (بهار - زمستان ۱۳۷۲)، ص ۹-۲۷.

۳۲) مرادی، نورالله، «فهرست‌نویسی توصیفی منابع دیداری - شنیداری» فصلنامه کتاب، دوره ۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۲) ص ۹-۴۵.

۳۳) مرادی، نورالله، «کنفرانس آقمارای ایفلا، لیسبون - پرتغال، ۱۷-۲۰ اوت ۱۹۹۳». فصلنامه کتاب، دوره‌ها، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۲)، ص ۵۳۱-۵۳۹.

۳۴) مرادی، نورالله، «اطلاع چیست؟» تهران: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. ص ۱-۱۹ (اردیبهشت ۱۳۷۴)

۳۵) مرادی، نورالله، «فرآیند مرجع». فصلنامه کتاب، دوره ۷، ش ۱ (بهار ۱۳۷۵)، ص ۸-۱۸.

۳۶) مرادی، نورالله، «دائرةالمعارف صلح» بخارا، دوره ۳، ش ۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰) ص ۲۶۰-۲۶۴.

۳۷) مرادی، نورالله، «دائرةالمعارف دموکراسی»، بخارا، ش ۵ (خرداد و تیر ۱۳۸۰)، ص ۱۶-۲۹.

۳۸) مرادی، نورالله، «هاگاناکرتا (منشور کبیر)». بخارا، ش ۱ (۱۳۸۰)، ص ۲۶۴-۲۶۹.

۳۹) مرادی، نورالله، «انتقال تکنولوژی». دانشمند.

۴۰) مرادی، نورالله، «نظامیه بغداد». نامه آموزش و پرورش. لازم به ذکر است که فهرست مقالات براساس ترتیب سال نشر از سال ۱۳۴۹ - ۱۳۸۰ مرتب شده است.

پایان‌نامه‌هایی که دکتر نورالله مرادی با سمت استاد راهنما و یا استاد مشاور به انجام رسیده است.

۱) سخائی، محسن. کارایی خدمات اطلاع‌رسانی آرشیه‌های